

سید طالب خیلر میڈر جرجم
مشهدی پیر چوہا بوجہ خورد ۱۹۲۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اما بینه ذکر است در بیان احوال تولد و وقت راه که زنان شیعیانی السلام داشت نام ساده
علم سلسله منفع رئی پور و فتحیور محمد طغیان راز شهر سیاپور و دروده لطف منطق در ملکه شکاب
وقتمندی. صون ذرت لفدهن هفت خان در پوشش و اسماه در حق آن تسبیه شجفه کائین

توکار لاخته راه عدک غرمه. پس تحت ذرا اول ما خلق الله زرگ شیخ شد
رسم پناهیزش محبر صلی الله علیه و آله و سلم لقب شیخ مطهی و قیمی تسبیه ابوالقاسم الوره

عبد الله بن عبد المطلب بن کشمین عبید الملت. رأمه امینه بنت ذرا

بن عبد الملت. تولد سیش در مدت شب و شنبه و در مده میکه و دهم به ربیع الاول
در زمان زر شیراز نوبه پنجاه دور فرز اواریه عاصم الفیل را بر سر عیشی سن عمر

بلطفش شفت رسان مدت بیوت شیخ شیراز سال نقش خاتم رسول الله

در حاتم بیکات آن نظر الفیوضات روز دشنبه در بیان حضرت مدم و از دعم
باه ربیع الدول سان شریعت در تیم شیخ عیاشیه در حجه دهم المیتین

عالیه عده فیض خیلر علیها در مدینه مشهوره وقت شذوذ. چهار زر الوره زینب شب حادث

دایده بود. در سال زر سرتی عیاشیه کلیه زر سینه زینب افریده

پیش زر بحوار حست حق پیشنه. رسامی عیاشیه سید المرسلین علیهم السلام

بندان آنامه ایشان صیب عمار — فتحی العلیهم المعبین از الدار الحاد

آن زر که مابینه شش هشت ذکر و زنات دیر داشت نهضت

۱۷۰

۲۷

زینیت - زینیت

ساده لشی خیر و خود ره تصویر و رنگ م اسم زم المتنین فدرستیه الکسر کار فریحه الله علیها

نیت خوبیدار - اسلامی از زیر مکرر خدخته لبری نیت خوبیدار

حفلة زينة مريم حبيب زينة ميمونه سوده

صبر وشدة وارسانك الراى الي ليس يبال درتن خاتون حذيت فيما انت

امه دارل نعمت موعده نبول اگر که همچنانکه این میتواند

بین خود بسته باشد و بزرگوار خود را بیافت درس آن همچنان
که از افراد دیگر شنیده عرض نداشته باشد ولغوی ملتبس شد

وردسته بزده سال سی و ده روز گرفتار آن خیاب مصیر توسته است

رویمه در ته منزه در وقتی قدس موقت حضرت سرور کائنات اولدر ایجاد شد

ذکر وزارت اندرور احمدنگر رامپور رامپور ۱۴ محرم ۱۳۹۷

زینب الداعم زینب الداعم زینب الداعم زینب الداعم

نیز نویسنده عین حضرت علیهم السلام بنت لطفعلی خان شده است

۱۰) ناچه زرا بازداره بازتکرده نیز ساده بازداره بارگیر

نے پھر وہ نے صینہ نے سیرا نہ کر کرہا ہے صینہ نے طلبیں

عمر امیر قریش دیگر اول مدد نمایند و همچنانی درست آور رئیس الحدیث این المحتویات من در چهارمین

نیم صلی بعلی علیهم السلام دین (۱۷) ثانی است: از آنکه استادانه لفظش فریاد گفت

او ای خواهر حضرتی الله علیه سلام علی مردم آن را به حجه آمده خالمه از زرای رضی الله عنها.

آن پیش از روز شنبه پانزدهم فروردین سن شاهزاده همچو که در مدینه مسخره بیرون

بیست و دار کین سال نقش خانم از انت احمد - رمانش ده ل دسم قلم

آنکه در آن که کیانی را - جده نیز شهید شهادتش روز شنبه سی و هشت

ماه صفر سن نیم دار کین همچو بزرگ ایشان از زاده عده نیز شهید روزه
حوز ده سال بعد پدر خود غیرزاده باشد مرتدش در حیثیت البقیع نبی المدینه اول مدرس

شانزده نت زکر و نجع وزنات - زید بن حن بن علی در اینجا برادری داشت که
نمر دو بود نهم رساعیل سیاه ناسخ " حمیریه بود محمد السبلانی و اور غیرزاده

در کله مدینه و اسپهان معرفت جویی داشت اند همچو عیوب الهاشی شهید کافر زید اول
در شهر از بار میباشد و ایشان در اینجا فور نشاند و نیوفتنانی داشته باشد

برادر از اند در کعبیل " حمیریه بود محمد او حمیری داشت که در اور رکو.

برادر احمد رزید زید در کعبیل " حمیریه بود محمد او حمیری داشت که در اور رکو.

محمد امیر کشتان بود اور را الله لغنه می دارد که برای بود زید

در زنجبار محبته شد و اداره بیهوده عیادله غیرزاده از در ماوراء نهر

مقیم اند عیادله در مرید شدند و زن شدند اند بود -

اى سید از عده حقوق علی کرم الله وحده یا خود را دار و ۱۰ ماه باش - ذکر
و ۱۰۰ المحتسب بر الموصیت حیدر صدر علی الزلفی کرم الله وحده که عمر کمل الله
علی الله علیه و آله و سلم و زن بخواه است و اذالمیه ام عشر امام اول است -
در اینکه زن افسوس را به کمینت برداشت هنگفت علیه المذاق ایوه الولی لب
بن کمینه کلیب بن کشمین علیه المذاق - توکید عجیب در حکم سبت که نهادم
۶۰ حب روز از دنیه کنیت نزفتش را یاد کنیت و ایوب تراپ لفظ یا چنانش
نزف را مانش بیت و نه سال - حدت عزش شست که سال نزف خانش میکند
۶۹ شد نزف نوزدهم و رفعت نز ایوب نیز نزد علیه المذاق رین ملجم عز
خورند - و بیت از دنیه سنت یعنی ملاه لفردوس فرامیدند نز نز خم و مات در فرد
مشتعل نز خم و مات ایوب تراپ عین ایمان آنده اند حساب - اولاد ایوب نز نیز میگنند
ذکور و زنات و لفول سیگاره نز ذکور و زنات الدکور احمد حمید رام حسنه جمین و همتر

۷۰ رام حبیب رام عروق محمد حنفیه علی الکراف علیک السلام حبیب علیکه السلام عثمان
محمد الصغری عبد الله صفره فتح ایوب صلح - مکبر از دنات
بیت کمیریه نزیه نزیه ایم اکش رسیده لفیه قدمیه نزیه
۷۱ ایم ایلام ایم حبیب ایام حبیب ایم اکش میمونه هذکبه عینه

اویز حبیب حبیب

حاتم علیه السلام عبد الرحمن نبی حنفیه حنفیه افتم انتقام
 حکم رحیق عصیان علیه السلام علیه السلام علیه السلام
 محمد ابی بکر ادیت دامنه رحمتیه خالمه دام علیه السلام
 دارملکه رقبه حنفیه ارنخ کسر بود علیه المحن ربراهم کند حنفیه
 دارآرد مجفه نقیبی کعبه انجاز زید از شل حضر اندرو فیض الدین بنیادس
 از شل دارسته دنیز زدن حنفیه الشامت در هر دلیل پیش باشند سپهون
 مین از فرزیه ابراهیم اند خنچه بر تهدید کل خوبیه و کله بنام ایان بود آذین
 ایان المقصده میرشت ولطفیان کشیاره و لطفیان در حق و در حق و در حق
 از شل سیده بزرگ دین حسین اند علیه المحن رشت کسر بود موکا الحوش
 هن حکم دیلمج بخت ادیس دین ادیس دنیز کارون زنیه
 عیسی در فخر خلیفه بود عرفیه ابراهیم او هر کسی دعایتیها اند پیش بودند مکلفه
 که در متفق بود سید انجیور نام داشته دادرس ابراهیم بنی محمد بن قاسم زید ادیس بود
 و بجهیه حکم دش اوزن زد کیم سنه بخوبیه میباشد دش اوزن دو عراق و
 خوزستان و بستان رکیم بود سید و اور ایضا ابراهیم دندلکف بود
 از ویدیت ببر دش او در آنچه تیم اند موکا الحوش دو ببر علیه السلام
 ابراهیم ابراهیم بر پیش از بیوف امر ایاهه در فرازی آن دلیلیه خوبیت او ایندر مسجد ایان
 دندلکف ببر موکا رفعتی مدرس ایان در دیگر بود ادیس دندلکف مدت علیه بن ادیس یکند حجاج بود

و نموده نیای فیض اند و مکرر بود. همین دفعه همچنان که ایرانی برگزیده در لیست
 خواسته اند او با این امر را پسیع و حذف نمودند و نامش را پر خوبی نمودند اند
 این افرادی که نامش را پر خوبی نمودند علیهم خواسته شدند که این مشاهدات من قبلاً در مردم
 سرپیت کنند کی از ناکام است ایو القصص حقیقت را بخشم نگیرند علیه را بخشم نمایند و نه اینکه
 رعایت این افراد علیه داشته باشند زیبایی درین وقتی است که اند از این علیه اند و ایشان
 پیاز ایویکین محدثین ایویکیه حشرین علیه این قضاوه نیز ادرسین میان حکایتیں میانه کوکم
 نیز علیه نیز جیشین میان سیمان نیز علیه این علیه بین که میان نوک کانکان اند صور از این
 علیم و محظی نظر نایخ خواه این افراد را تینیز (در رایح) اور خواسته هر آنچه اند در لیست این افراد
 فیض اند خواسته ایچتن و راهنمای خواسته اند. خواسته بحقیقتیه معرفت اند که "اگر بود"
 اگر و اگر رهایی از نیز که اند در این مسنه و محدود است خواسته اند اگر نمایند و اند
 نشیم اند. خواسته اند ایور خواسته اند در راق بخچ اند و میکارند اور خود علیه
 اگر خواسته اند خواسته ایچن ایچن بخچ ایچن بخچ علیه ایچن فرقه ایچن فرقه ایچن فرقه ایچن
 علیه ایچن و ماضی اند بود. اول که که از خواسته ایلی کالیب حالم مکه و میزنه در زبان
 علیه اند. شیعیان ایچن
 در میان کاخ رشته ایچن
 خواسته ایچن
 خواسته ایچن ایچن

خواسته ایچن
 خواسته ایچن
 خواسته ایچن ایچن

حمد نه نه کنیت داشته هم کنیت اور رعن میلادی بود در عده فرنگیان خشم آند عذر داد
کنیت اکبریه نه کنیت درینه قلمرو برادرش بود اکبر درستون یزد و زنجان باز پسرش نجیل دید
رسد ایام زریل ای پرین منو ولاشه -

دستوراتم پیش از مکالمه خود را در فهرست آنچه میخواهم بحث کنم (آنچه) که میخواهم بحث کنم از زانجیه استفاده نمایم.

الوجه مرفقى على كرم الله ورسنه . أمهه ناحمه التبر رفعى الله يلتنا تنتشىء العبد الله

لقيت زند و لدش در متنه نثره روز بگذشتند آخر شعر بزمی بر این دل

من ندش بودم گویند . اربع بیرونی امامتش راهنمایی داشت و ماه زده را در
لقب خاتم زن الله بالغ مرد شناختش افزایدینم من پیشتر نهادم

۶۱

روزتیه و پیز قول رورم شنبه ۱۴ ماه فروردین ۱۳۹۰) احمدیتین بزرگش

۵۲ سیع و فیض سال تاریخ در فرد من شنیدم که بلدرر در تجارت آه بیرون

تم مده لرز رسم دزت با ملته شهادش پیزند بعیت سیست شکر مرد عود مکه و در خانه
مشهدش دشت کبریلیه اولاد امیر اشاره شش نت فلکوز وزرات و پروت پیش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . عَلَيْكُمُ الْفَتْحُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حِفْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ

وَدِرْ عَيْنِ الْمُجْعَلِ كَمَكِّةٍ كَمَكِّةٍ كَمَكِّةٍ كَمَكِّةٍ كَمَكِّةٍ كَمَكِّةٍ

گویند و دختر بود در پیری روز نامه بیور نمایز ناهمه ام سرخان بین طلای خوش

لشکریه بود را ولاد فوجیت علی‌الله‌فرو و زین‌الحاییین و معمول است که زین‌الحاییین معلم از افسر

میلائیہ اول ریڈ مرف : علی ائمہ علماء ایضاً قبیل حیر

ذکر زیرالمرئین امام زین الاعین رضی الله تعالیٰ عنہ (امم حرام) رہست روز زنگبہ اشاعت شد

کنیت مبارکش ابو محمد القیش شیخار ولد ارش رفیعیه بود
 آ و شنیه روئید کنیته سیم شیخان سن شان داشت همچنان که در مدنیه منفه را منتظر
 زیب و شیخ سال دویم نقش خانش نقی قلی شیخ شهادت نیزه را داشت
 ولید بن علی الحمد مژده روز شنبه دوازدهم ۱۴۰۵ هجری شرقم متنیه بین
 ۷۵۲
 چهل و نهمین عمر زنگنه بیست و نهم سال در فوت مبارکش جنت اتفاق یافته
 فی المدینه لغایت حیاتی را هم معلم العصمه در حرم در راه رفته اولیانه
 دیوارش پانزده تن ذکور و زنات الذبور را معاشر نموده بکسر کمر قده پا بر تپید
 بغل از دروغ و شیراز مقدم اند. ابو الحسن عین الدین ابراهیم مدینه از اش
 حین الدهور اند. علی الرحمان سهیان علی الاعظم محمد اعظم
 امدادات فخر الحسنه علیه شیخ رام کلتوم اولیانه مخفی
 ایمان فخر علیه همچنان علی الاعظم زیب الشیخ علی الاعظم دیگر مخفی
 ندارند صون سلیمانی شیرازه سال سی و سه هزار کسری مدق علی الدین
 منفرد است. ذکر امداد عین رام محمد فخر روح الله علیه رحیم سعید از ایام
 اویه طیب زین الهدیت. امده رام علیه همیز را هم معلم العصمه کنیت او ابو الحسن
 لقیش بیقر رامش دارد. ولد ارش روز شنبه تعلوی شیخ سیم قمری ولد
 رفیع آ دینه خره دیگر شیخ و فیض عجیبه را مادر ایشان شهادت
 در راه و بیت و پیغمبر نقش خانش را زنگنه مبعداً شهادت
 هفتم ذی الحجه سنت اربعین علیه راه رفیع شیخ سیمین سال
 در فوت سه کشیت ایشان رفیع شیخ سیمین درین کشم معلم العصمه در
 آنکه رضنه که نثار ابراهیم بروز زیب. و زنگنه کنیت ارش دلول شیخ شهادت

١٩

ذكور و زنان في الدور زعيم المخفر عبد الله ابراهيم بسيط على معاشرهم عبد الله سليمان ١١/٥/٩
 هـ دفتر خدام حكم نب زيد الذهات زعيم لهم اولاده حبيب لهم باقر داعم حبيب
 مجيد الله ابراهيم على مجيد الله قادر داعم حبيب و مجيد الله كلام لعم فروع بنت مجيد الله
 بن ناصر بن سعد بن ابو عبد الله عيسى لود دار حفظت ابر المرئين ابر حبيب صادق زعيم الله منه
 داششم رست ابر ابيه دشمش العوده دام محمد يا قر امه ام فروع بنت مجيد الله عيسى فاصن
 محمد بن ابر حبيب الدهنه قدم قادر ام فروع رحمة بنت عصي الرحال بن ابو عبد الله عيسى نور
 كثيت ابو عبد الله كثيف صدق ولد دست روزه كثيفه بنت حبيب عاصي الدليل سن ثلث
 حشيشة بنت كعبته امه دست ملدة ذلتلال طربه لقص عاصي است عصي تراناس
 شهدت روز اديته نجم شرسوال دليول ابر حبيب نبه حبيب شهان الرش
 دعاءه مدفن هيقد اليقوع في المدنه ذريه بعادرات ابا عاصي اللهم درك درعنه
 عمر خمس سنتين سال و يغول ثمان سنتين بالاولاد احادي دعاه دست ذكر
 و زنان نبيل اوسه ضرور درعنه دعوم مخلفتها عبايه نب زعيم الدور اصحابه -

رسانی - حسکا کاظم سید محمد ناوز الملقب نب محمد الدینا ج حب کتبه عنزه جمال

عبد الله علیم علی الذهات ام فروع فاطمه رسماز اولاده حبيب

٤٧) حبيب رسماز رحاق عون محمد کاظم علی الدهنه اولاده حبيب

٤٨) حبيب عصرين عبد الله -

ذكر حفظت داعم ابراهيم کاظم رفق الدهنه بدل داعم حسکا کاظم در قبر وان وحرب

(10)

و شیراز دله و مدنیه و موسن دلخواه و عراق و عجم و هوز و روزان نعمت از
 نفن نایخ خسرو این نیاکنی را می‌نمی‌رست از آنکه دنیا شر او وه ایام حجه فادق
 آنکه حبیب پیر پیر بنت سهراب پویه لغب کاظم کنیت اویاکن ولادت روز مکنیه
 هنفیم صفر سنت شاهان عشرين دنیا نور لوزانه وزن ملکیت سنت در مسائی مکه مدینه در بینیه
 را مدت شاهان عشرين سال نهاده نقش خاتم علی حبیب شهادت بست حدام حبیب
 سمع بین دنیا و لفول عیفی من تندت شاهانیں درمانه در عید رون شدید
 بیز مردم من در غاییر قرآن در حکم اعلم فیضیں ل دلخول احمد حسینیں ل مکاہد
 هنیت روز اول در ایجاد سے تکنیت نت ذکور وزنات التکور علی رضا زید

بریهم عقیل زید در اورند از از لذت لذت کنیت کا جنده آله و بن امراه شده
 خانه عدیسان بیوخت دش زید در قرآن و محنت و شیراز مسیا شد ابریشم فرقه
 الکعب علیه جزر سبل کنیتی و عیفی فضای مکنیت هنیت آنکه خوب لبیار کنیت و سید محمد
 رقاعی از شل ابریشم رست - خدا تجھے سید محمد بیرین حسین بن سید محمد کنیت
 شیع سید نبات بن سید عاصم بن علیی بن سید حسن بن سید محمد کنیت
 سید ابو تقی دین سید محمد بن سید حسن بن دیر رحم الملقیین بن ایام مرسی کاظم رضا علیہ السلام

کرون حن حسین عبد الله رحایل عبد الله کرد لحد

حیفی بھی رحیق عسکر حن عبد الرحمن فاسیم حیفیل مور

ولذات دم فرده ام شیر علیه ناطق بیری ناطق بنو عکا راسعه زینیل غزالی

ام نامن حلبیه ام شهاب الصوی محمود رحاته خدیجہ جمیون عصفیه

او بود محقق دام کاظم علی فنا ابراهیم صفو علی سعید علی حمد علی الله عبید الله

حسن عبیز صفو رحاف ابراهیم ابریس حبیت زید حارون او بود محقق

احمد حبیف ابریس داود محمد سلیمان بیکی نظر علی علی علی رحان قاسم

ذری ابریس المؤمنین سلیمان خرسان (ام علی) موسی کاظم علی فنا خداوند علی خداوند علی علی ابریس

لام ششم بست روزگاره شاعر ام دار دار (ام نوک اللام) ام داره بورت (والله)

دم علی رضا تیر علیه ببریه دار دام کاظم بود لغت که شیخ حضرت سالم شاه

صلی الله علیہ وسلم دار دام کاظم در خوبی فرمودند که اما علیه داشت تیر که را بایس خود

بیریش تا زود که باشد از وفرزند بوجواد که بپرسی اهل زمین باشد و والله

دم علی الرضا درست سلیمان که بوقت بیرونیه بود بگز نقل عمل تیافونم در خوبی شنیدند

آزاد شیخ تخلیل شنیدم حقیقت رفاقت ولد شد بست آنی خود بیز علی شهاد و در

لکوف رکمان کردند لبی آنها سایر که سینه اند خیانی که من فان که نقل گوشتان

کنست ایواکش لقیت رفاقت تولد روز تختیه پانزده مهر ماه ذی القعده سنت همان اربعین

دو هاته هجری رهابت را صلیت زن سال نظر خاتم زن اولیه مردم مقدسین

سال شهادت بزرگ دادن مامون ملدون روی سینه بزرگه هضرت شاعرین در شناسی ببری

مرقد در لحس شهره مقدس او بدر راجیاد پیغمبر خود را که ذات النذور محمد

را درین حبیت جبت ابراهیم رهاظن عالیش

[۱۰]

او بود محقق امام محمد تقی محمد بن جعین و حسکا دلخواه مفتی حضرت امیر رسم
علیه السلام نزارد. ذکر امیر المؤمنین امام محمد تقی رضی الله عنہ دام بحکم رستم نزد امیر المؤمنین
لشیت ابو حمیز لقب خوارد (ابویه) علی رفعت امه فدریث توکل در فخر روحیه نور در میقت
سن تسبیح و مانع بحر کار در میتم مسخره امامت شاهزاده علیت علیت علیت علیت
مال میاه لش فتح المنهیں عصی. شهادت روز سنته آخوند کاغذ عده هزار دلار
محقق نام نظر سن نایت علیت علیت دکوتیه نایت دختر علیت بحر کار در فخر قرش
در تحریر او بود اصحاب الدبور علی لغت شاه فوکا سرتقا دم مرقطه مسگیو شهادت ایمان ای ای ای
فاطمه زاده فرزید بوسه ره اتفاقه گویند در صورت اند:

حضرت حبیب رحم حبیب نیان از او بود امام محمد تقی است خواجہ ایان نمایم بحیر حضرت حبیب
استحصال درسته خواجہ حبیب رحم حبیب نیان ولی کعبه لهد کعبه ولی کعبه عدل للدین
سرفه ولی ابوالمویید مسیح بن سید حبیب بن سید محمد احمد نجاح رحیم سیدیه (له نیز سیدی)
بن سید در لطفی انتظم بن سید حبیب بن سید امام خوارد محمد تقی رضی الله عنہ مفتی حضرت حبیب ای ای
سرفه ولی فرزند بود کما سید لهد کعبه نعم سید بجا و الدین سید محمد احمد
سید لهد کعبه ولی فرزند بود کما محمد رحم حبیب نیان دفعه شیخ احمد رایین المفتی
شیخ رایین.

آذربایجان پیرپاره کله کلیده ۱۹۲۴

ذکر امیر المومنین اهل بیان فرقه الیمانه (از زمینه دشمن) - آنچه را می‌دانم از زمانه خود را داشتم

سکنه کتبه ایوان توکل روز شنبه پانزدهم ذی الحجه سنت هشتاد و هشت

در حی می‌باید در تاریخ راه استان شاهزاده سال هفتاد و هشتاد و هشت سال -

لفتر خاتم المحتفیں با الهیه و قاتل اور دشنه سیوم جمعه سنت هشتاد و هشت

وقت عالم متوکل نام خصیه نزد درسارة اول در ایجاد حسن علیه حجت اکابر

حصیه خبر عالیه قم - ذکر امیر المومنین احمد بن علی فرقه الیمانه اعظم

پانزدهم سرت از زمانه اتنا عشر کتبه ایوان محمد فقیه کلکه آنچه فرقه ایجاد شده

و مددت روز دیوبده جمادی سیم روح اندر سنت هشتاد و پنجم در میمه خوره

سنت هشتاد و هشت سال مدت راه استان شاهزاده سال هشتاد و هشت سال

و قاتل روز دیوبده پیغمبر اسلام ستر نایس و سپس پیر که مرتد در ساره و ذرن مخصوص شد

از زینیه اول دوکه منزل فاعل معتقد به حجت ایجاد احمد بن مسیح کا عمار

ذکر امیر المومنین اهل بیان فرقه الیمانه (کلیف المیان) تو پیشی حجت ایجاد واقعه کارکم

حکم اقامه علیه فلق الزمان کتبه ایوان حکم آنچه فرقه ایجاد شد

شیعی فقیر در سنت هشتاد و هشت سال پیغمبر ایجاد شد تند ایام عالی و

اربعاه پیغمبر ایاد است کردند دسته سیم سال میراث عالم و لغول اشاعر سال

در حیان مانند بعد از این از کثیرت اعدائی در کرانه سرخ ریگ در غاره بیشتر شدند

فرقه الیمانی علیهم السلام فرقه علی و حکمت از دین علی فرقه ایجاد شد

دَرْكُهُمْ مَيِّدَ رَفِيقُهُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمُ الْجَيْشِ فَرَازَ حَوْتَ الْمَاءِ مَعَ رَوْلِ الْمَهْ دَرْكُهُمْ
وَرَبِّ زَبَنِ الْمَاءِ مَرَاجِمْ دَرْكَهُمْ دَرْكَهُمْ لِقَبِيلَةِ دَرْكَهُمْ يَكِيدَرْكَهُمْ بَرْكَهُمْ دَرْكَهُمْ
الْبَقِيعَ فِي الْمَدِينَةِ الْمَوْرِفَهُ دَرْكَهُمْ إِلَى بَيْتِ رَفِيقِ الْمَهْ نَافِلَيْ عَلَمِ الْمَعْنَى فَرَازَ دَرْكَهُمْ قَرْنَالِيَّةَ
دَرْكَهُمْ بَلَدِيَّهُ دَرْكَهُمْ مَاهِمْ الْمَهْ دَعْلَمِ الْمَهْ دَلَمَيْنِ بَلَدِيَّهُ دَرْكَهُمْ زَاهِمَهُ دَرْكَهُمْ
دَرْكَهُمْ أَسَمْ دَلَمَيْنِ فَرِيقِ الْمَهْ عَلَمِ الْمَهْ دَرْكَهُمْ تَرَشِيسْ دَرْكَهُمْ دَرْكَهُمْ دَرْكَهُمْ دَرْكَهُمْ
بَلَدِيَّهُ دَرْكَهُمْ
وَأَنْ حَقِيقَهُ زَنَدَ دَرْكَهُمْ دَرْكَهُمْ دَرْكَهُمْ دَرْكَهُمْ دَرْكَهُمْ دَرْكَهُمْ دَرْكَهُمْ دَرْكَهُمْ دَرْكَهُمْ

بَنْ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ الْمَهْ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ
بَنْ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ
بَنْ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ
بَنْ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ
بَنْ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ
بَنْ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ
بَنْ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ
بَنْ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ
بَنْ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ

زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ
زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ زَاهِرِ بْنِ سَيِّدِ الْجَمِيعِ

سال دخات	سال عمر	سال تولد
موافق الميلاد	كان	سبتمبر
٢٠٢٠ - ١٠٤٣٠ - ٥٥٠	٢٠١٢٠	٢٠٢٠ - ١٠٦٦٠
٦٦٥	٩٦٥	٦٦٥

رسماً میانی بیار و مخصوص کاک نبزبور از راند اند و خود را رسیده و فیض میگویند لسو
 . قهقهه و رانی لنه در دلش ببر و میخواهد و نیز بر سر جاده نشست ام اور رود رونیا شد تو برازیره
 اول مخصوص را می خواهد ابر برست بن حضرت علی کرم الله عنہ و بنہ نبیر از امام زاده همین یار قرقا الله عنہ
 لفظ او وکیل هزار از در گفتگو شیخ شیخ شده قیزاد در فیض برست ناز اسما می دهم
 مخصوص محمد علی الله بن امام زاده الله عنہ او نیز در گفتگو شیخ از دست طلحه بن علی شیخ شده
 فیض شیخ در فیضه بود سیوم رامی مخصوص علی الله بن امام زاده الله عنہ که از در ده کلی
 از دست از زن و مشقی شیخ شده فیض در کریده بز باز رامی مخصوص حرام محمد ماسمن
 بن امام زاده الله عنہ که از در سه کس در نشانی شیخ شده فیض در کریده برست باز رامی حرام
 مخصوص محمد بن امام زاده الله عنہ که از دست مفسر بن الله بیزید در دشیش شیخ شده
 فیض در شیر لبک باز رامی ششم مخصوص محمد علی الله بن امام زاده الله عنہ که از در
 شیخ شیخی از دست احمد بن مفسر مشقی شیخ شده فیض در شیر لبک ساده باز رامی تهم مخصوص
 سه به کامیز ایام حضرت صادق رضا الله عنہ که از در دلکش از دست حلقه علی الله کو فی شیخ شده
 فیض در کل زرد دست باز رامی ششم پیغمبر بن ایام حضرت صادق که اوز اعیان فی شیخ شده فیض
 در سیستان رست باز رامی تهم مخصوص محمد صالح بن ایام کلک کلام که از در سه کلی زدت
 ۱۰
 بیان فیض فیض ایام سیستان شده فیض در شیر لبک باز رامی دهم مخصوص محمد علی بن
 ایام کلک کلام که از در گفتگو شیخی زد دست بیان مشقی شیخ شده فیض در شیر لبک باز
 ۱۱
 رسماً هایز دهم مخصوص ایام حضرت بن ایام مولانا رضا الله عنہ که از در حیر شیخی از دست یوسف بن ایام
 مشقی شیخ شده فیض در شیر لبک

ذکر در جو اول نام داشت کمال الله در از ده ایام شیخ ده قدم محدوده الال از ایا ایام میگردات الله عنہ

در حضرت اور المؤمن ابوبکر صدیق رضی اللہ تعالیٰ عنہ اسیم لشکریں دیوبندی کوں فرزد اور عینہ الہ

نام فرود کئیش نام فرود لشکریں بدرش قحافہ من عامرین عمر والد ارش

نم رنجبر کے بنت محریں عاد دفتر ہم ایوچافہ کوہنیں سید بن قیم بن درہ بن کعب

بن بوئی میں خالد عمر لشکریں بنتناو سال فنڈتھن سال مل رہا وہ روز

وزماں نس پاڑو دم چارہ کار فرست سو دم سال تھیں اول ارش بست نہ دل رات

گھر محمد رضا محمد رضا و فخران مودھر روزانہ بیٹ دوختہ النظافت

پنڈت سید جوہر فخر از نام عدا نہ بود رضی اللہ تعالیٰ عنہا کہ رفیہ دوم نعمت مرحبل فرزد بود

مرغیہ حضرت احمد ابوبکر در روضہ صورہ سرور انبیاء برکت

در حضرت اور المؤمن عمر ماروق رضا اسرار نامی تھیں اسیم لشکریں عمر کنیت اور الجھنلہ

لشکر ماروق بیش خطا بین لفیل بن علیہ الرحمہ علیہ اسیم لشکریں عمر کنیت اور الجھنلہ

بن ریح بن علیہ بن کب بن اریا میں خالدی عمر شہنشاہ سال فنڈتھن سال

و شتر ساہ بیخ روزہ خدا نس پنڈت سید جوہر فخر اجنبیں سبیت وہ بزرہ

معزیہ آش در روضہ صورہ سرجل عذر اول ارش نیمیں وکوہ دادت الدکور عمر اللہ

لشکر لشکر عمر اللہ زیر دفتر بیٹ دھنہ عہد فرمان فرمان فرمان فرمان فرمان

عمر اللہ علیہ الرحمہ علیہ الرحمہ علیہ الرحمہ علیہ الرحمہ علیہ الرحمہ علیہ الرحمہ علیہ الرحمہ

کنیت ایوب کرد اسی میں بھرھنی بیٹھا کہ علیہ الرحمہ علیہ الرحمہ علیہ الرحمہ علیہ الرحمہ علیہ الرحمہ

و گر حضرت ابوبکر صدیق رضی اللہ تعالیٰ عنہ قدمتھن پاڑہ سال وہڑہ روزہ علیہ

ستھن سال و ناں کریں سکی جوہم سرہ نس کریں سرہ نس کریں سرہ نس کریں

گونه غلبت بر بافت متحول شدند - چون از نظر نویسندگان اینها صد و هزار زبان گذشت
جیان را بدرود کرد -

دلش از این شیوه - چون شیوه شتر فرید شد از این شیوه بود که آن را در زبانهای ایرانی
که اسلام و قبیله نشر او مثل آسم بیان نموده باشد فلکت سنتی پوشیده بود و از این نظر بزرگی داشت
منتهی اینها خلاصت شد و از این که این دوین دور اسخان نزدیکی نهاد او بود گویند شتر فرید شد
روزگار اینها از این دست دیر درست بیود و لفواره نهاده بیچال شش هشت و همان واقعیت این
چونی نهاده و بجا باشند و بقول خانم پیقاوک شتر فرید شد عبارت دارد "فرز من لپارش
و قبر ابودر شهر نزدیک است" -

دلش قیستان - قیستان از نیمه فرزند از این شیوه فرموده بود و بسیار بخت داشت و فریاد و صدمه تراوید
بعد نعل پر را متفاهم مهایم جهانیان متحول گشت و برش هر راه متأجیت و اتفاقی را پیدا کرد
سلوک نمود محارت سپه بابل و شهر بوس از بنایی او راست ایدریح لباسیان و محابات
هم نیب ماد میدند در عین او آدمی زاد لپارش لکار حلقه منافق خسته بعد یار و لش
شیوه در خود بابل را نداشت فرموده نهاده و بیست و سه سال نزدیک شد -

دلش مسده میل - مسده میل بین فریاد قیستان بود چون بیشترین بیهوده
رسیده اور بیانی هنوز منکر نداشت و از سیفیه ل فرانز و رئیسی کیمی بانت همراه نهاده
بسیط شر سال بود - بقول شیوه شد عالم و بقول شیوه فرمود خجال -

دلش برد شیوه تریق اول و دوم مسده میل بود که هم بزر اسلام هم نیش حالت گشت
از درود و جنی که بدیده آورد و همچه شش هشت و دو سال و بقول نهاده و شیوه تریقه عالم
عمر یافت و دوین پیغمبر نویسندگان دلش اوان در زبان حیات آدم از عدم بیود آبره بود

تا پدرین لفز میتبد خلقت آدم تن تراب والتراب بین السکنه و الپیش من از زنده و مارثه

من را در دلا من المزر و المزر من الجوار و الجوار من القدرة الله تعالیٰ

حضرت ابوالب Lester باب آدم فی المهدیه والصیوذه والسم - کنیت ابوالب Lester فی آدم باز زیر کتاب

شئان افت و که زر آدم فی پیدا شد بیشتر بیشتر اسماں و در زمان تکنیک و دین تبریز

فرزند و فرزند زرده ای اولیم رسیده بودند و فرزند اش جبل و کیمیت کو زند بیست و کمیز و کو زند

بیست آنکه شیخ علیه السلام از نیمه نیزگ بود در حکم العکیم اعلی مسنه که دنات

اد در همیشان الفاظ افتاد برکه سر از بیب که شیخ فلک خسروی در قم شده مدحول گشت

و صهلک بعد از او بیب ل دعویل گفته سال و بیرونی لبی از سه در دنات گرد

اشت علیه السلام که حلیمه و فضیلی او در حوار آدم داشت و نظر شیخ که نعم علیه السلام در زمان

که خواست راهیت ایشان در آورد و گهی ایشان در کوه ابوالنوبی و بیرونی دست المخدوس

و تقویل در گفت و شنید

مشهور آدم علیه السلام بیشتر بزر فتحت سخن گفته و افضل ازرن بیشتر علیه باشد و بیرونی از آدم خوا

هزار فرزند بیشتر و هر فرزند دیگری ای اونقدر آن نکم در آورد فرزند شد

والرسانیت علیه السلام و السلام -

ای شرف خوشید آدم بود بید پیشان از شانه کامل و بوردن باشد آنچه اند لهرهای خواهش شنی

تو ایان بسیار خود فخری که آورده ایگز شیخ علیه السلام که او تنها زاد و آقای خواهی خواهی قابل دلقد

از دویم او فرد بیوت بی آدم بیز اسال رسید اور روی عیاده خود کرد و نفع نمود بیزار آن

استلام عالم بود او بی راحی زین و داشت داشت داوه اور یا اول میخوانند و اور یا زبان کریا

ملم یا استخراج این اعماقات در فناشر شم اقامه میشد شیخ ربیکه از اولین اور در

ولدش رختوح و سه اویس سله السلام پیر و کنیت پدر از کشنیدم
 متولد شد. راه را کوچک نرس زولد رسند - اما فریشان و رانی و بند و داش
 از میه بزرگ و روکنی لفته اند که در زفت آدم صدای آواره و پیر فریشان
 نصف اند - عدم رختوشانی و نوشت و شست و یافتن و خشند او میزد آواره و اورانی
 سیل فند و در خود رشانی شناد و دو نوع بیان گفت خود شهر آباد کرد و خود را هم
 آسان زسته بگشسته بگرد و پیش از وصول حسین را خواه داد و گویا بگرد و شست و خواه
 ولدش میتوشاند - میتوانند روز فرزند را بگردند - بعد از بید بزرگ قوم شد - و جمله ای برای
 نیز درن بگیرند راه نمود. چون بگرد اینها سال رسیدند اورانی بگردند و بگردند و بگردند
 سک زیست

دهش لک - لکس دعو و نیمه و کمر منقبت بجا آمدند بود و بعد پیشتر سر و رانی بگردند و
 بوقت زندگانی اینها هفت سال و شناد سال بود و گر و چشم اورانی کهان و لندان و لد خم بگردند
 ولدش فوج علیه السلام. پیر و نات آدم علیه السلام و بیست و سی سال متولد شد و باش آدم شانی
 خودشند چرا که همه قدرین نرق از طمعان شد و باز از دو نسل اینهاور آمد و نو خدا پر ای خارق
 کهان او منابع پیر نکرد. بالغ از در طمعان نرق شد و یافتن سام و هام ملک شان و خیر خارق
 دهارس دختر را دریه سام داد. بودیار خوب و خشم و خدوان مسند صدای افریم کوودا رای خارم داد
 و چین و قلب و ترکستان به یافند و داد و فولی است که قوم یا چوچو یا چوچو از اولند یافتن
 نعم رست و عرفه بزرگ سال و شتهد سال رسیده در گذشته و در عالم ای ای ای ای ای ای ای ای
 که بعد از طمعان و بیست نیماه سال و بیولی رسیده و نیماه سال نیز است و خودشنه را به دختر تزویج داد
 نفع نتوس و بیولی شما غله بنتی انشوی بود پدر را در شر هرم فوت و با قول شنید و دست

ولدش سام - سام در عذر و نیماه سال فیرش راه نیم پیر درست و بیولی نهایه
 ولدش از نخست شد - از نخشد را گردید و هفت سال فیرش در عرب بزم پیرست

ولکن مصالح - در هر سه سال فیشن در طلب - و به همین طبق علیه این سهم از بود
تا آدم هر زیست سه کار و سال بود بر قبلاً در طلب

ولکن مصالح - مالم - هر سه سال فیشن در طلب

ولکن مصالح از اینو روزگار خوبی سال فیشن در طلب
ولکن این شرط داشت از اینو روزگار خوبی سال فیشن در طلب این شرط داشت از این شرط که دخالت محظوظ نداشت -

ولکن ناچور - ناچور این شرط داشت از اینو روزگار خوبی سال فیشن در طلب
ولکن آفر و میتواند آوز را هر چند کم نداشته باشد میباشد
برایم میتواند این شرط داشته باشد از این شرط داشته باشد این شرط داشته باشد از این شرط داشته باشد
در این شرط داشته باشد از این شرط داشته باشد از این شرط داشته باشد از این شرط داشته باشد

ولکن باین سه سال مصالح این شرط داشته باشد از این شرط داشته باشد
اسه سال داشته باشد از این شرط داشته باشد از این شرط داشته باشد از این شرط داشته باشد
دیگر باین شرط داشته باشد از این شرط داشته باشد از این شرط داشته باشد
عیض و بکسر لغون و لغون

ولکن باین شرط داشته باشد از این شرط داشته باشد از این شرط داشته باشد

ولکن باین شرط داشته باشد از این شرط داشته باشد از این شرط داشته باشد

ولکن باین شرط داشته باشد از این شرط داشته باشد از این شرط داشته باشد

ولکن مصالح - مصالح در هر سه سال فیشن در طلب

ولکن مصالح - مصالح در هر سه سال فیشن در طلب

ولکن مصالح - مصالح در هر سه سال فیشن در طلب

ولکن مصالح - مصالح در هر سه سال فیشن در طلب

ولدش نافر مخاقد در مرسته سه سال بود فیرش درین

ولدش مقوم - مفهوم در مرشد دنیا ها سال فیرش درین

ولدش آدی او را از زن لفسته که بلجند او را بود - خوبی او لذت داده و دارده میگردید

ولدش آدی هر دو مرشد و کمال فیرش درین و پیش از باز زان میگش لفسته و بین خوار فوج

حکم تو شنی کند زنی طبقات ما در عالم - بیچنگی گوئند آدین آدین ایسع این مددان بن تایت

بن محل بن قید رین اسماں عده الیم

ولدش مددان - مددان ده پرورش

ولدش محمد - محمد حبیر پرورش فیرش درشام

ولدش هزاره - هزاره بر حبیر پرورد فیرش درمه

ولدش هضرت - مضر در دریه بود - عرش هضرت دنیا ها سال فیرش درشام

ولدش الیاس - ایاس ریس ایل پرورد عرض دست سال فیرش درشام

ولدش مدرک عذرک در دکتر بود - عرش هضرت دنیا ها سال فیرش درمه

ولدش خرمبه - خرمبه درین که پرورد عرش هضرت مکید دست سال فیرش درکه

ولدش کنان - کنان پرورد عرش نوین جمال فیرش درین

ولدش لفس - لفس در دریه بود عرش هیمه نه سال فیرش درشام

ولدش فائد - فائد درین که پرورد عرش هنادا سال فیرش درین

ولدش قهر - قهر در حبیر پرورد فیرش درکه رئیس و بالدر طرب بود

ولدش خالب - خالب در دریه بود فیرش درشام

ولدش لونیا - لونیا در هشت پرورد فیرش دریه

دکن کوب - کوب ریه پرورد فیرش پرسن مسوزه حوت طحاب درشان و میمیزند

ولدش مرد رنه دریه پرورد فیرش دریه حفره لاپر درشان ناینگی میگند

دلش هکدیب - هکدیب ره دوسر پرورد فیرنیز در طائف ناد حوت مُعْتَدِلِي الْمُطْلِقِي وَهُنَّ مِنْ أَوْلَادِ رَسُولِهِ
وَهُنَّ قَضَى - قَضَى رَجَبَ لَيْلَهُ پرورد فیرنیز در شام
وَهُنَّ عَلَيْهِ الْمُنَافِقُ - مُعْتَدِلِي الْمُنَافِقُ هَذِهِ هَالِهِ رَجَبَ حَالِهِ بَوْدَهْ نَامَ هَادِشَ حَمِيدَهِ هَنْتَ سَاهِهِ بَوْدَهِ
حَبِرَانَهْ دَنْتَهْ كَشْهُمَ دَعْمَهِ الشَّهْرِ وَنَهْنَهْ وَهَلْدَهْ فَخَرْمَهْ رَوْبَهْ وَتَلْهَهْ مَهْبِهْ مَهْلَهْ رَهْهَهْ دَالْهَهْ
وَهُنَّ كَشْهُمَ - نَامَ هَادِهِ كَشْهُمَ عَالَمَهِ هَنْتَ هَلْهَهِ مَهْرَهِنَهْ فَالْحَمَّهْ بَوْرَهْ يَشْهَهْ دَلْهَهْ دَهْ - غَبَلْهَهْ لَهَهْ - فَهَرَهْ
اَهَهْ - هَلْدَهْ كَوْصَحِيَ - اَهَهْ

امانه سفیر خواست

三

فیکر رام حسین رضی الله تعالیٰ عنہ۔ لیوہ صلی بن ابی طالب رضی الله عنہما قادر ناگہمیست
محمد صلی الله علیہ وسلم کنیت ابو علیہ - تعلیم کشیدہ - و دردش در درستہ آخر سنیز پیغمبر اسلام کیتے گئے
پیغمبر بھروسہ - کما مدت پانز دس سال پانز دس ماہ سے یوم شہادت راز رسمی و فتن پیش شدیں دعویٰ خود کیتے گئے
بھروسہ مدت عمر نجایہ کھفتہ سال - اولاد شش سنت ذکور رکھاتے - کسی زین الامین بیٹی اگر
تملی اکھڑ - حفظ عینہ الله - و فیض کئی کوئی دو دختر نو ز دو ملک روزانہ ناگہمی لو د ویسخول
اے ریس الارضیہ رائے ملیک اخوند (از پیاسی سید ہیر بھروسہ رکھ عوام ۱۹۲۴ء) ۱۱/۰۹/۱۱

دلارش امير المؤمنین زین العابدین رضی الله عنه بدرش احمد بن علی عليهما السلام و مادرش نازیه
بیز در جریان امداده عجم کنیت ابو قمر لعین سعاد و در دش روز سخنگویی کوئید کیشنده تهم شعبان
بن سیفیت در مردمه مغوره را مافت بیهی خبرشال دور فرزندت میر سخاوه هنین سال تفسیر فتح
لعلی فاسل المیزان داده روز شنبه و راز دین هوشن بخود رنجیری صرف در حیثیت الیفع فی المدحیه خاتل اور علی
علیه السلام مردان بزر او بعد اینجا در سپاه نزده منت امام تأذیز بیشیه - عمر تصرف علیه الله بازیه - والدش
مدین - علیه الرحمان - سلامان علی - که قدکبه فاطمه علیه صغریه امعلوثوم -

دستور احمد بن محمد با فخر رخی کالله نهاده بدریت زیر العصیان مبنی احمد بن علیه السلام - دادرس رام نماینده خالکشیده بنت احمد بن علیه السلام کنیت ابو محیی الدین بایقر عویدت روز پنجم شنبه نیجوم مهر ماه ۱۴۰۷ هجری قمری المولوده امامت فردی کل و داد بپیشیت پیغمبر از درون عمر سفیرت برگفت تسلیت شهادت شریعت فرمود کمال الحجه من ملیکه و حسن
پیغمبر حجا زیر در شنبه خاتل اور حسام بن طلحه الملائکه مرقد در حنیت المیقان فتح کالدهنه قلعه لودر شهر
تهرست من - شیخ لبیود و دختر - احمد حمیفر علیه السلام - ابرسمعین علیه السلام عسلی دفتریت زنیب - رام نماینده بنت
حاج احمد زن لدکه همچنان جمیعا

دشنه ای حبیر صادق رضی الله عنہ . پدر حبیر ماقرین امام زین العابدین علیہ السلام نادی درش بام فروع شیعہ الله
پیغمبر عاصم بن محمد رضی الله عنہ کشتار علیہ لغت حبیر ولدت رفعت رضی شنبه سینه شیرین ریه اجلدی

سین سهندناد سه هیچکار در دینه مسزه - سرت را باید که سال و نیم نوش هاتم را بفت مصیت -
من انسان پشتی داشته رازند شنیده بشهر زیب گویند روز جمعه پیغمبر خواران من ملیکه حیل پیشنهاد
پرورد و دینی بالینه عده تکمیل سفره ختم اول اول مسیحی اکاظم و راهنم - میتوان نه ایام میان
عنه الله علیمین علی دنیا زدن ایم فرد غایب که را کناد

ولکش سید محمد ناون - حضرت سید محمد ناون لرزیدم مخفر صادق رحمه الله علیه لکه پیغمبر مسیح
وئم سید علی هارضی سید محمد بن علی و شیخ علی هارضی نام فرد داشت که حیدر برده از مفہوم مسزه نیست - قدر نیمی
از اولد دینه حبل علی در علیه دینه مسزه و در علیه دینه مسزه از اولد دینه مسزه محمد ماسم داشت
سید علیه و قدر اینسته و بنو طهاب و بنو المدرس و بنو فارس و در علیه دینه از اولد دینه داشتند

و عجیب دین است - حبل علی سید محمد صادق لوز جوان داشتند ایده سکونت نمودند تا پنج
حبل علی سید محمد عالم و لکش سید محمد عالم سید محمد صالح علی داشتند ایده سکونت نمودند تا پنج
شنبه خواه در رحایا بودند - ولکش سید عالم حکایت داشتند و لکش سید عالم ابور الکحان ولکش
سید محمد صادق ولکش سید ابور الکحان ولکش سید عالم علی میخیش علی از شیراز در کاشت - آمده بجهت
اصلی برگرد نه نیست در رحایا سکونت داشتند ولکش سید عالم و لکش سید فخر الله ولکش
سید عفیت الله و دیوشن معلقی ولکش سید فخر الله ولکش سید عالم سید عالم ولکش سید عالم
ولکش سید محمد فاسیم - سید محمد فاسیم بن سید حسوب بردو فرزندش علی سید محمود علیم سید احمد
سید محمود بردویش کا نیز نامند روغنه شن در رحایا در گزانته معاون موروث اخیر من داشتند

و نیم حادیت رود کا حقن الله مستهور است - او اولد بزرگ - خیر اولد سید احمد لقریب پیغمبر قرآن بریده

فته فرزند در منفع رود کا بزرگ ایده پرورد - زن که و دل نمودن بخای ساقی سید علی بیرون سکونت گرفت
و لکش سید احمد سید احمد بن سید محمد عالم رکه فرزندش سید علام از اینسته سید علی بیرون سید عالم داد
و سکونت در دینی کا شتر داشتند لقریب سید احمد فرزند بیک ایه و مرد ایله ولدت

هر فنا شنیده قلکل حاکم در کلیه رود کا بزرگ که پا زده کرده روز بیان لکه بشرق در فخر راست میگشت
گردش سید علی داده ایه نیز بجهد خود در راه پیغمبر - دیگر سید احمد دیگر نیز بجهد پیغمبر مغول داده است

سیفی خواه و بیوکن سیلکم امیرین در عجیب آنار نیزی دلیل رفته از پر کردند و که فرود راه اخراج است.

قرآن فریض شد بیوکن سیلکم امیر زاده از و دیگر لوله دیمه مملکه امیر کرد و بزرگواری را که حصار است

پرداز و در نشان مانده خسنه ایام دلا در پیش از رفته سکون رفته از پر کن سیلکم امیر در اینجا مشتقات

شیخ است از اینها ماند بیوکن سیلکم امیر که ماند و در ترکه نیزه ماد امیرین سیلکم امیر من به اینکه

که این سیلکم امیر از پر کن سیلکم امیر در نشانه را که بیوکن در نشانه قیمتی از در ریاست و دشیز

پیشنهاد نیزه - سیلکم ایام این نیزه عاد امیرین در عجم میباشد سال بیوکن در ریاضیه داشت

درین در برخواهی از دشیز از دشیز - سیلکم ایام و سیلکم ایام و سیلکم ایام و سیلکم ایام

سیلکم ایام که فردا شد عمر میباشد ساله باقی از این داشت - هر دو پدر و سیلکم ایام

ریاضیه داشت - و سیلکم ایام و سیلکم ایام در فیضون سکونت گرفته سیلکم ایام مدد پرداز دو پسر شد یعنی سیلکم ایام

پسر سیلکم ایام سیلکم ایام ماد بیو داشت - سیلکم ایام در فیضون سیلکم ایام و سیلکم ایام

نیزه پسر داشت فیضون سیلکم ایام میباشد سیلکم ایام دو پسر داشت سیلکم ایام میباشد

پسر داشت سیلکم ایام در کجا که پسر شد اندام نیم که فردا شد و خواجه صالح میباشد اول دشیز شد

نشست پسر گشت سیلکم ایام و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز

در این عادیت نیایی بود از نیفی نیکی و دیگر نیفی و دیگر نیکی و دیگر نیکی و دیگر نیکی

و دشیز و دشیز

و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز

و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز

و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز

و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز

و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز

و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز

و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز

و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز

و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز و دشیز

خن - خسنه عزیز الله در این دیگر دختر شد . پیر فرشتگان فرمیدند ملکه علیه خود را بخواهند
من . دختر علیه وارد شد و دیگر دختر اسراران در فردوس اگهی در دنیا مخفی بودند . خوب ملکه علیه خود را
سأله میخواست و سعیده دیده درینه و زدن را شد . سعیده پروردخانه داشتند فرمودند بخانه باشیم مادر از این مادریت نزدیک
در عصر هنر زده بودند که از این دلایل این دختر شد . دختر شد و سعیده دیگر علیه فرمودند خوب خود را بخواهند
و ناشی دختر سعادتمندی داشتند . سعیده بحیرت هد و رنج پر شد و از این دختره و مادریت این دختر را بخواهد و
دیگر سلطنت ایشان را در این بنیه مادریت از کوئی نیافرید . سعیده ملکه ایشان را در این دختر
بر میکردند و بر سرداری نجاح دادند . مادریت مادریت مادریت و مادریت دادند . مادریت مادریت
نمیخواستند . در این نسبت کلی ای بود . سعیده منوره در این پیر و دیگر دختر شد . سعیده ملکه ایشان را
ساختند . در این نسبت کلی ای بود . سعیده منوره در این پیر و دیگر دختر شد . سعیده ملکه ایشان را
ساختند . سعیده مادر ایشان فضل ایشان ساختند . سعیده منوره ایشان را در این دختر شد . سعیده
جیر را علیه خود را کافح نمیخواستند . مادر ایشان سعیده مادر ایشان از کوئی مادریت نمیخواستند .

~~بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ~~

نم از دو دفترگفت در میر سیب نجیب علی کندسته.

دکش سی بیرون عکس بینندگان نور ایونیک او فعال شده بیلکن مرد و زنستاده ۱۹۶۴

نه در بند لاتین نه مراد فلسفه نویس بود. نسبت های ریاضی در کار پیر و دو دخترش مسیحه و آنکه از این

دری فرسان مردانه و حمایت کنی های خارج از این سلطنهایی بودند

برینه که از درستی می‌گذارند اول از اینها می‌گذرد و سپس می‌گذرد

دکتر محمد امین و فاطمه اکبر و همسران خسته لایی و شرف لایی و حبیب (۱۳۰۰) نویسنده

~~فَلَمَّا~~ عَنْ زَيْنَ الْعَابِدِينَ سَمِّهُ دَانِشْرَتْ لَهُ دَارِسْهَلْهَنْ - مَعْدِلْهَا

وَعِمَارَهُ يَا شَفَاعَتِي لِلْكَلِيلِ مَسْنَدٌ سَمِيعٌ لِلْكَلِيلِ كَلِيلٌ رَّبُّكَلِيلٍ فَوْلَادُهُ اَنْزَلَهُ كَلِيلٌ خَبِيرٌ

خود را بی خود نمایند و میتوانند از خود خود را بگیرند. میتوانند از خود خود را بگیرند و میتوانند از خود خود را بگیرند.

سی هزار از تر که در پنجم پروردگار خیر است - سه فرزند - سه بیوی - سه نوکر - سه
بیوی علیه رفاقت نمودند - اول سه فرزند - دوم سه بیوی - سه نوکر - سه
بیوی علیه رفاقت نمودند - اول سه فرزند - دوم سه بیوی - سه نوکر - سه
بیوی علیه رفاقت نمودند - اول سه فرزند - دوم سه بیوی - سه نوکر - سه

لشکریه امیر ملک رحیم

بابا بدھ شاد میں سید عبید رضا شاد علیہ الحمد جو وفات شد ای اواللہ تھے میں تعلق دفعہ من
انہوں نے ۱۹۶۲ء میں اس فارسی شجرہ لے کیا ہے تائیوں تحریری مکر بھی فرمائے۔ وہاں کے نواسے
سید محمد ناصر ام ولد صیہ صیات شاد میں شامل ہو کر ہے۔ حصل تحریر نہیں بزرگوں کی ہے بلکہ
نہیں ہے۔

د کامیابی و توانمندی های علمی
و فنی ایرانیان در زمینه های مختلف
تکنولوژی های پیشرفته
برای ایجاد راه های جدید برای
بازسازی اقتصادی و اجتماعی
کشور ایجاد شود.